



طراحی الگوی حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر

حسن رنگریز*

چکیده

هدف این پژوهش طراحی الگویی از حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر است. روش انجام دادن این پژوهش، کیفی و با رویکرد استقرایی است. به منظور استخراج مطالب، از فن تحلیل مضمون استفاده شد. منبع مورد بررسی در این پژوهش، فرمان حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر در نهج البلاغه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برای ایجاد و فراگیر شدن حکومت‌داری پایدار در کشور، الزامات مدیریت توسعه پایدار اقتصادی و الزامات مدیریت توسعه پایدار اکولوژیکی و الزامات مدیریت توسعه پایدار اجتماعی و الزامات مدیریت توسعه پایدار سیاسی مورد نیازند و اگر مخدوش شوند، بخشی از حکومت اسلامی آسیب می‌بیند. نتایج به دست آمده بر اساس داده‌های پژوهش، نشان می‌دهد که الزامات چهارگانه فوق را باید در چهار سطح اقتصادی، اکولوژیکی، اجتماعی و سیاسی جست‌وجو کرد. نیل به اهداف این سطوح در شکل‌گیری و ایجاد حکومت‌داری پایدار مؤثر است؛ به نحوی که در سطح اقتصادی عدالت اقتصادی، در سطح اکولوژیکی عدالت زیست‌محیطی، در سطح اجتماعی عدالت

* دانشیار گروه مدیریت منابع انسانی و کسب‌وکار دانشکده مدیریت دانشگاه خوارزمی، rangriz@khu.ac.ir.

اجتماعی و در سطح سیاسی عدالت سیاسی نمود پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، استقرار و پیاده‌سازی عدالت اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری حکومت‌داری پایدار مهم است.

کلیدواژگان: حکومت‌داری پایدار، حکمرانی، منشور پایداری، الگو، فرمان حکومتی، فن تحلیل مضمون

مقدمه

همانند بسیاری از مفاهیم در علوم اجتماعی، حکمرانی^۱ یک اصطلاح جدید نیست. در حقیقت، واژه حکمرانی به صورت علمی و مدون، اولین بار در فرانسه در قرن چهاردهم به معنای «مقر دولت»^۲ استفاده شد. این اصطلاح در زمانی که بانک جهانی، مجدداً حکمرانی را در گزارش خود در سال ۱۹۸۹ تعریف کرد، عمومیت بیشتری یافت (بووارد و لوفلر،^۳ ۱۳۹۳: ۲۴۰). مفهوم حکمرانی ارتباط تنگاتنگی با حکومت‌داری دارد. واژه حکومت‌داری بیشتر برای توصیف شیوه‌ای است که یک کشور به وسیله آن حکومت می‌کند. بنابراین حکومت‌داری عرصه وسیع‌تری از واژه حکومت یا دولت دارد. حکومت‌داری طرز اقدام اداری، اقتصادی و سیاسی را تبیین می‌کند و به وسیله حزب سیاسی صاحب قدرت در یک کشور به انجام می‌رسد. با این تعریف واژه حکومت‌داری شامل بخش دولتی است که می‌تواند دو بخش کسب‌وکار و جامعه مدنی را به آن افزود.

هر حکومتی برای اجرای سیاست‌های خود نیازمند منشور پایداری^۴ حکومت است که از آن به عنوان حکومت‌داری پایدار^۵ یاد می‌شود. در توسعه پایدار سه الزام یا رویکرد وجود دارد. با سنجش و پیاده‌سازی این الزامات می‌توان به منشور پایداری حکومت دست یافت. این الزامات عبارت‌اند از: ۱. الزامات مدیریت توسعه پایدار اقتصادی که از

1. Governance.

2. Seat of Governance.

3. Bovard & Leffler.

4. Primes of Sustainability.

5. Sustainable Governance.

طریق پس انداز، منابع ارزشمند حیاتی برای نسل‌های آینده حاصل می‌شود. تحقق این امر به اجرای «اصل توزیع منصفانه و برابر میان نسل‌ها» بستگی دارد؛ ۲. الزامات اکولوژیکی به توسعه پایدار از طریق حفاظت از منابع طبیعی و تجدیدنپذیر، جلوگیری از اثر گل‌خانه‌ای، فرسایش خاک، و آلودگی آب‌های زیرزمینی، آسیب‌های زیست‌محیطی و نیز از طریق تنوع زیست‌محیطی تحقق می‌پذیرد؛ ۳. الزامات مدیریت توسعه پایدار اجتماعی که از طریق حفظ ثبات سیستم‌های اجتماعی، برابری میان نسل‌های مختلف، تنوع فرهنگی، ایجاد زمینه برای مشارکت وسیع مردم در تصمیم‌گیری، و تحقق اصل توسعه پایدار عدالت اجتماعی عملی می‌شود (ابراهیم‌پور، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۵۶). پس می‌توان گفت؛ در حکومت‌داری پایدار، سه الزام پایداری اقتصادی، اکولوژیکی، و اجتماعی وجود دارد، ولی آنچه که حائز اهمیت است محور چهارمی تحت عنوان پایداری سیاسی را نیز باید جست‌وجو کرد که از آن به عنوان الزامات مدیریت توسعه پایدار سیاسی یاد می‌شود.

مطالعات انجام‌یافته توسط بدیعیان و همکاران (۱۳۹۱) مبین این نکته اساسی است که توجه به متغیرهای جامعه‌شناختی همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران، مشارکت، انسجام، هم‌بستگی و همکاری در شکل‌گیری حکومت‌داری پایدار در مدیریت ارزشی - اسلامی تأثیر بسزایی دارد. همچنین تعالیم دینی این قدرت را دارند که به صورت محسوس و نامحسوس خیرخواهی، اعتماد در روابط و عدالت‌محوری را بر اساس رویکرد الهی و توحیدی برای زندگی دینوی و اخروی جوامع انسانی تضمین کنند (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

جنبه مبهم این پژوهش این است که حکومت‌ها از سیاست و برنامه مدون تدوین‌شده برای حکومت‌داری پایدار به‌ویژه در حوزه اقتصادی و اجتماعی برخوردار نیستند و اقدامات لازم و کافی برای اینکه دولت‌ها در زنجیره عدالت اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی از لحاظ منشور پایداری هم‌راستا باشند، صورت نگرفته است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به اینکه حکومت‌ها و دولت‌ها از الگوی خاصی در زمینه الزامات

حکومت‌داری پایدار برای پیشرفت و حرکت به سمت جلو تبعیت نمی‌کنند، طراحی الگوی حکومت‌داری پایدار امر حتمی و الزامی است؛ چراکه وضعیت کشورهای اسلامی در این زمینه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. برای خروج از این ابهام، پژوهش حاضر به دنبال کامل کردن خلأ علمی و عملی در حوزه حکومت‌داری پایدار است.

به منظور حفظ و تقویت هم‌بستگی و جلوگیری از شکل‌گیری حکومت‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی در کشور لازم است که به شناخت صحیح و درستی از فرایند شکل‌گیری الگوی حکومت‌داری پایدار برسیم. لذا یک اقدام اساسی برای تقویت آثار حکمرانی خوب و دور شدن از چالش‌های ناشی از نبود آن، یافتن الگو و چهارچوبی از حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر است. لذا هدف این پژوهش، ارائه الگویی از حکومت‌داری پایدار است و سؤال پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود: مؤلفه‌های حکومت‌داری پایدار در فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، پژوهش اکتشافی حاضر از نوع کیفی با رویکرد استقرایی کمک شایان توجهی می‌کند.

چهارچوب نظری

یکی از پارادایم‌های جدید در مدیریت دولتی، حکومت‌داری پایدار محسوب می‌شود و باور بر این است که فراتر از حکومت‌داری خوب، می‌تواند زمینه را برای توسعه پایدار و متوازن فراهم کند. اصل پاسخ‌گویی، اصل مشارکت، اصل توجه به معیارهای چندبعدی در تصمیم‌گیری، اصل پیشگیری، اصل تحلیل هزینه-فایده در حوزه‌های اقتصادی و اکولوژیکی و اجتماعی، و اصل مشارکت^۱ از مهم‌ترین اصول و ویژگی‌های حکومت‌داری پایدار است (کاستانزا و همکاران،^۲ ۱۹۹۸؛ وینر،^۳ ۲۰۰۰؛ کلمنز،^۴ ۲۰۰۳). نتیجه اجرای

۱. امروزه از اصل مشارکت به‌عنوان توسعه سیاسی یاد می‌کنند.

2. Costanza & et al.

3. Wiener.

4. Clemens.

بد سیاست‌های حکومت‌داری خوب، توسعه پایدار و تعدیل ساختاری خصوصی‌سازی، حکومت‌داری ناپایدار است که در برخی دولت‌های بعد از انقلاب می‌توان جست‌وجو کرد. حکومت‌داری خوب و توسعه پایدار دو جنبه کلیدی دارند: نخست هدف هر دو توسعه مشارکت عمومی است و هر دو محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن دولت، سازمان‌های اجتماعی، بخش خصوصی و افراد حقیقی بتوانند در برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه مشارکت داشته باشند؛ دوم اینکه هر دو هم فرایندگرا و هم نتیجه‌گراست. دستیابی به حکومت‌داری خوب و پایدار مستلزم وجود سیستم برنامه‌ریزی و نظارت مستمر است (پورتر،^۱ ۲۰۰۲).

مطالعات متعددی در خصوص حکومت‌داری پایدار انجام یافته است. برنامه‌های توسعه سازمان ملل (۱۹۹۷) و ویژگی و اصول حکومت‌داری خوب را مشارکت در تصمیم‌گیری، قانون‌محوری، شفافیت، عدالت و برابری، اثربخشی و کارایی، پاسخ‌گویی و مسئولیت، و بینش استراتژیک عنوان می‌کند. ماریت و زلکی^۲ (۲۰۰۰) عنوان کردند که حکومت‌داری خوب تحت قوانین مشخصی موجب توسعه پایدار می‌شود. در نتیجه آنچه برای تحقق توسعه پایدار پیش‌بینی شده بود در عمل با تشکیک مواجه شد و نتیجه آن توجه به مؤلفه جدیدی با عنوان حکومت‌داری پایدار گردید. کلمنز^۳ (۲۰۰۳) مدلی را برای توسعه پایدار مطرح کرده است که به مدل^۴ (KIPI) معروف است. بر اساس این مدل، حکومت‌داری پایدار در یک مثلث قابل‌تصور است که دارای سه بُعد شفافیت، مشارکت عمومی و ظرفیت محیط طبیعی است. گاردینر^۵ (۲۰۰۲) معتقد است که برنامه‌های حکومت‌داری خوب باید بر ویژگی‌های زیر مبتنی باشد: سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی

-
1. Porter.
 2. Martia & Zaelke.
 3. Clemens.
 4. Key Integrated Performance Indicator.
 5. Gardiner.

و محیطی مناسب؛ پاسخ‌گویی نهادهای دمکراتیک به نیازهای مردم، قانون‌محوری، معیارهای ضدفساد، برابری جنسیتی^۱ و ایجاد ظرفیت لازم برای سرمایه‌گذاری. ولی نکته‌ای را نباید فراموش کرد، و آن وجود رهیافت‌های لیبرالیستی و نتولیرالیستی در شکل‌گیری حکومت‌هاست. هسته مرکزی و مفهوم بنیادین رهیافت لیبرالیسم، آزادی است. در لیبرالیسم، آزادی در سه حوزه مطرح می‌شود: ۱. آزادی اخلاقی و دینی؛ ۲. آزادی سیاسی؛ ۳. آزادی اقتصادی. نقدی که به لیبرالیسم وارد است اینکه در لیبرالیسم، آزادی یعنی رهایی از قیود اخلاقی و دینی، و انسان هر کاری را می‌تواند انجام دهد، حتی اگر آن کار به انسانیت انسان خدشه وارد کند و تمایل به صفات حیوانی داشته باشد. همچنین بحث آزادی سیاسی، در لیبرالیسم به تفکیک قوا تأکید می‌کردند؛ هر چند لیبرالیسم در پایان قرن هجده و کل قرن نوزده حول شعار آزادی، به دنبال به دست گرفتن کامل قدرت سیاسی بود. بالاخره در لیبرالیسم به آزادی اقتصادی معتقدند؛ آزادی در سرمایه‌اندوزی و محدود نشدن میل به انباشت سرمایه توسط هیچ امری اعم از اخلاقی و دینی و سیاسی و دخالت دولت به نفع محرومان.

مطالعات نشان از چهار جریان مشخص در اندیشه لیبرالیسم دارد که یکی از این چهار جریان، نتولیرالیسم است؛ جریانی که در واقع از طریق به کار گرفتن نیروی کار و منابع ملل محروم جهان سوم در صدد گسترش منابع کشورهای غربی‌اند.

۱. در زمینه برابری جنسیتی، اسلام تمایز میان زن و مرد و نقش و مسئولیت‌های آنان را در جامعه مشخص کرده است. تفاوت بر اساس جنسیت در بعضی موارد مثل ملاحظات که اسلام برای نحوه اتخاذ رفتار مناسب با فرزند دختر مطرح می‌سازد یا پیشنهادهایی که در نقش‌آفرینی برای زنان دارد، مثل التزام به خانه یا برنامه حمایتی خاصی که برای زنان ارائه می‌دهد، همه و همه متناسب با خاستگاه تکوینی آنان است. در نظام ارزشی اسلام، زن انسانی است که تمام لوازم و ابزار را برای ارتقای انسانی و رسیدن به اوج قله عبودیت داراست. در عین حال از ظرفیت‌های لازم برای تصدی پست مادری نیز برخوردار است. در این نظام، خروج از خانه الزاماً به معنای رسیدن به مقصد رشد انسانی نیست. لذا به عنوان ضرورت مطرح نشده و ورود به عرصه اجتماع برای زنان، امر جایز تلقی شده است. اسلام زن را همچون مرد، انسان می‌داند که سه ویژگی همه انسان‌ها یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال را داراست و همانند مرد از امکانات رشد و کامیابی برخوردار است و بدین‌سان شأن زنانگی وی در کنار انسانیتش پاس داشته می‌شود (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۷۵).

پس بحث فوق نشان می‌دهد که رهیافت‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی جواب‌گوی شکل‌گیری حکومت‌داری پایدار نیستند و خلأ مطالعه حکومت‌داری پایدار بر اساس آموزه‌های دینی به‌ویژه فرمان حکومتی حضرت علی^{علیه السلام} به مالک اشتر بیشتر نمود پیدا می‌کند. در این فرمان، آزادی اخلاقی و دینی به نحوی دیده شده است که به دنبال ایجاد عدالت در استفاده از ابعاد مادی و معنوی به‌صورت متعادل نه به معنای برابری است. در چهارچوب آزادی سیاسی به تفکیک قوا به‌ویژه قوه مجریه و قضائیه در این فرمان به‌وضوح قابل ملاحظه و تفکر است^۱. همچنین در خصوص آزادی اقتصادی داشتن سرمایه را در جهت تعالی انسانی مطرح می‌کند.

آموزه‌های دینی به ما می‌گویند کلمه حکم و نسبت و مشتقات آن با حکومت مثل حَكْمٌ، أَحْكَمٌ، تَحْكُمُونَ، يَحْكُمُونَ و حُكْمٌ حدود ۸۵ مرتبه در قرآن به کار رفته است. مسلم است واژه حکومت به معنای اصطلاحی امروز در قرآن نیامده است، اما حکم و واژگان برگرفته از آن که ماهیتاً با حکومت نسبتی دارند، نوعاً درباره قضاوت و داوری به کار رفته‌اند. این داوری گاهی به‌عنوان ویژگی خداوند است، مثل «أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (تین: ۸)؛ بهترین داور»، و گاهی دستوری است از طرف خداوند به پیامبر خود، همانند آنچه درباره حضرت داوود^{علیه السلام} آمده: «فَأَحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ (ص: ۳۶)؛ بین مردم به‌حق داوری کن»، و در مواضعی توصیفی است که خداوند درباره نادرستی داوری آدمیان دارد؛ مثل «چه بد داوری می‌کنند.» اما باید در نظر داشت که واژه حکم در بسیاری از مواضع قرابت معنایی زیادی با حکومت دارد و معنای دستور، امر، حاکمیت و تسلط را می‌رساند. در سه موضع از قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ (انعام: ۵۷؛ یوسف: ۴۰)؛ هیچ حکمی نیست مگر

۱. برخی از علما براساس نامه حضرت به مالک اشتر موضوع تفکیک قوا را مطرح کردند از جمله مرحوم آیت الله نایینی در کتاب «تنبیه الامة و تنزیه الملة و مرحوم آیت الله طالقانی در پاورقی همین کتاب. اگرچه برخی دیگر از علما چنین تفسیری ندارند، با این حال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصل نظام تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی پذیرفته شد. تفکیک قوای مورد نظر فقهای امامیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تفکیک قوای غربی تفاوت‌هایی دارد. برای مطالعه در این زمینه به کتاب آیت الله عباسعلی عمید زنجانی به نام فقه سیاسی که در سال ۱۳۷۳ انتشارات امیر کبیر منتشر کرده است، رجوع شود.

برای خدا.» این همان آیه‌ای است که خوارج در جنگ صفین آن را شعار خود قرار دادند تا هم حکومت علی علیه السلام و هم حاکمیت معاویه را نفی کنند و معلوم است که از کلمه حکم، معنای حاکمیت را می‌فهمیدند.

چنان‌که مشخص است در این آیات معنای حکم فراتر از داوری و به معنای حاکمیت هم هست. اساساً تمام احکامی که خداوند صادر کرده، از مقام حاکمیت او، که هیچ حاکم برتری برای او نیست (رعد: ۴۱)، حکایت دارند؛ چنان‌که در آیه ۸۹ سوره انعام به این مطلب تصریح شده و این آیه پیامبرانی همانند حضرت داوود، سلیمان، موسی و یوسف علیهم السلام را دارای کتاب، حکم و نبوت می‌داند. در آیه دیگری به داوود علیه السلام که حاکمیت دارد دستور می‌دهد که داوری و حکم تو میان مردم بر مبنای حق باشد (ص: ۳۶). مشخص است که حق در اینجا شامل عدالت اجتماعی هم هست؛ زیرا برای مردم به کار رفته است، نه فقط برای قضاوت بین دو طرف دعوا. همین دستور برای عموم مردم با واژه عدل در آیه دیگری آمده و این هم قرینه دیگری بر مفهوم حاکمیت برای حکم است؛ زیرا عدل و یزگی حاکمیت و حکومت مردم‌پسند هم هست (دییاجی، ۱۳۸۷: ۳۰-۳۱).

در جمع‌بندی چهارچوب نظری باید اذعان داشت که به‌رغم موارد متعددی که تحت عنوان حکمرانی خوب بیان شده است، تاکنون هیچ اثری درباره حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر نگاشته نشده است. لذا جای خالی کار پژوهشی که حکومت‌داری پایدار را با کاوش در نهج البلاغه مورد مذاقه قرار دهد، احساس می‌شود؛ چراکه از منظر حکومتی می‌توان گفت فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر ارجمندترین سند یا حداقل جزء عالی‌ترین اسناد بالادستی حکومت و نظام جمهوری اسلامی ایران است. همان‌گونه که کتاب، سنت، اجماع و عقل یعنی همان منبع فقه برای تدوین قانون اساسی ملاک، معیار و منبع بود، فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر نیز در تدوین قانون اساسی به‌عنوان منبعی خاص، الهام‌بخش خبرگان قانون اساسی بود و در جای‌جای اصول قانون اساسی تأثیر این فرمان مشخص است. از جمله می‌توان به اصول ۲، ۳، ۴ و ۵ قانون اساسی اشاره کرد. چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نیز بر اساس اسناد بالادستی نظام است که افق ایران

اسلامی را در بیست سال آینده مشخص می‌کند و بر مبنای آن، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور تدوین می‌شود. از سوی دیگر می‌توان به سیاست‌های کلان و کلی نظام مثل اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری اشاره کرد.

روش پژوهش

انتخاب روش مناسب، مهم‌ترین گام در فرایند پژوهش پس از مشخص شدن زمینه و موضوع پژوهش است. برای این کار باید پارادایم، استراتژی و سایر عناصر فرایند پژوهش به درستی معین شوند. هدف این پژوهش، شناخت ابعاد حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر است. بنابراین، این پژوهش از نظر هدف، پژوهش اکتشافی یا بنیادین، و از لحاظ روش، از نوع کیفی و دارای رویکردی استقرایی است. داده‌های این پژوهش با رجوع به فرمان حکومتی هشت‌هزارکلمه‌ای حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر در کتاب شریف نهج البلاغه بود که عموماً رویکرد مدیریتی و رفتاری دارد؛ چراکه کارگزاران، مسئولان، لشکریان، والیان و مردم شهرها می‌توانند از آن به‌عنوان الگوی حکومت‌داری پایدار در سطح کلان و خرد استفاده کنند.

برای استخراج مفاهیم از متن فرمان، از فن تحلیل مضمون که یک روش تحلیل کیفی قابل توجه، قوی و پرکاربرد برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل است، استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. مضمون یا تم، بیانگر چیز مهمی در داده‌ها درباره سؤالات پژوهش است. نکته مهم معنا و مفهوم مضمون است. بنابراین، قضاوت پژوهشگر درباره اینکه مضمون چیست کاملاً ضروری است. پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد؛ زیرا تبعیت صرف از قواعد در این خصوص کاربردی ندارد (سلطانی و خانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به‌صورت سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی نشان می‌دهد (عابدی جعفری و

همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۱). درنهایت، همان‌گونه که استرلینگ^۱ (۲۰۰۱) بیان می‌کند، شبکه مضامین بر اساس یک روش مشخص، مضامین زیر را نظام‌مند می‌کند: الف) مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)؛ ب) مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)؛ ج) مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل). سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه و وب یا الگو رسم می‌شوند که در آن مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود.

برای اعتبارسنجی تحلیل مضمون اکثر روش‌شناسان کیفی به‌جای استفاده از واژگان روایی و پایایی که اساساً و از لحاظ مبانی فلسفی ریشه در پارادایم کمی دارند، از معیار «اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد» برای ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند (توینینگ،^۲ ۲۰۰۰ م: ۱۰). از همین دسته، «لینکلن و گوبا»^۳ برای قابل اعتماد بودن پژوهش‌های کیفی، معیارهایی چون امکان اعتبار، اتکاپذیری یا توانایی اتکا، انتقال‌پذیری یا توان انتقال، تصدیق یا امکان تأیید را ارائه کرده‌اند (سینکوویچ،^۴ ۲۰۰۸ م: ۶۹۳) که از طریق راهبردهای متعددی نظیر ردیابی حسابرسی‌گونه، بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها یا منابع اسنادی، تأیید همکاران پژوهشی، تحلیل مورد کیفی، تأیید ساختاری و کفایت منابع ارجاع‌شده استفاده می‌شود (دانایی‌فرد و مظفری، ۱۳۸۷: ۱۶). در پژوهش حاضر، سنجه‌های مذکور به طرق مختلف تدارک شده که از مهم‌ترین آنها، راهبرد «کدگذاران مستقل» است. این راهبرد، فرایندی رایج برای ارزیابی و کنترل کیفیت تحلیل مضمون است. در رویکرد پوزیتویستی به پژوهش‌های کیفی، این امر مشابه محاسبه آماری قابلیت اطمینان درونی است که در تحلیل محتوای

-
1. Stirling.
 2. Twining.
 3. Lincoln & Guba.
 4. Sinkovics.

کمی یا مشاهده ساختاریافته صورت می‌گیرد (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۰ م: ۱۶۰). هدف کدگذاری مستقل، کمک به پژوهشگر است تا به‌طور انتقادی درباره ساختار مضامین پیشنهادی خود و تصمیماتی که درباره کدها گرفته فکر کند. برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد در بین کدگذاران مستقل نیز روش‌های مختلفی وجود دارد که در این پژوهش از روش توافق درصدی استفاده شد؛ به این صورت که از چهار نفر از خبرگانی که به‌طور مستقل کدگذاری را انجام داده‌اند، کدهایی پذیرفته شد و به جمع‌بندی رسید که بیش از نصف یا پنجاه درصد از کدگذاران بر آن صحه گذاشته بودند.

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که بیان شد در مرحله اول پژوهش، یافتن مضامین پایه مد نظر قرار گرفت. پس از استخراج جملات کلیدی و پالایش آن، ۴۹ مضمون پایه به دست آمد که در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: داده‌های مرتبط با مضمون پایه

ردیف	مضمون پایه	داده
۱	انتصاب به امر زامانداری	این دستوری است که بنده خدا، علی، به مالک بن حارث اشتر در فرمانش به او صادر کرده است. این فرمان را هنگامی نوشت که وی را زمامدار و والی کشور مصر قرار داد.
۲	تأمین و مدیریت منابع مالی	استقامت سربازان ممکن نیست، جز با آنچه خدای بر آنها مقرر فرموده است از خراجی که مسلم و ذمی بدهند، و آنها در پیکار با دشمن با آن تقویت شوند، و در سروسامان دادن به امور زندگی و رفع نیازمندی‌های خویش بدان اعتماد جویند.
۳	تأمین نظم و امنیت	با دشمنان آن کشور (مصر) بجنگد.
۴	برنامه اصلاح امور	اصلاح و ارشاد مردم جزء وظایف مالک و از جمله کارهای اساسی اوست.
۵	برنامه سازندگی کشور	به عمران و آبادی شهرها، قصبات، روستاها و قریه‌های آن پردازد.

۶	داشتن تقوای الهی	او را به تقوا و ترس از خداوند فرمان می‌دهد.
۷	ترجیح اطاعت خدا بر اطاعت دیگران	او را به ایثار و فداکاری در راه اطاعت خدا فرمان می‌دهد.
۸	شقاوت و بدبختی در صورت سهل‌انگاری در اجرای امور حکومتی	او را به متابعت از آنچه در کتاب خدا (قرآن) به آن امر شده است، فرمان می‌دهد؛ به متابعت از اوامری که در کتاب الله آمده؛ فریاض و واجبات و سنت‌ها؛ همان دستورهایی که هیچ‌کس جز با متابعت آنها روی سعادت نمی‌بیند و جز با انکار و ضایع ساختن آنها در شقاوت و بدبختی واقع نمی‌شود.
۹	نصرت الهی	به او فرمان می‌دهد که آیین خدا را با قلب، دست و زبان یاری کند؛ چراکه خداوند متکفل یاری کسی شده که او را یاری نماید و عزت کسی که او را عزیز دارد.
۱۰	صیانت نفس و کنترل قدرت	به او فرمان می‌دهد که خواسته‌های نابجای خود را در هم بشکند و به هنگام وسوسه‌های نفس، خویش‌داری را پیش گیرد؛ زیراکه نفس اماره همواره انسان را به بدی وادار می‌کند، مگر آنکه رحمت الهی شامل حال او شود.
۱۱	درس و عبرت گرفتن از تاریخ	ای مالک، بدان من تو را به‌سوی کشوری فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل و ستمگری بر آن حکومت داشتند و مردم به کارهای تو همان‌گونه نظر می‌کنند که تو در امور زمامداران پیش از خود، و همان را درباره تو خواهند گفت که تو درباره آنها می‌گفتی. بدان افراد شایسته را با آنچه خداوند بر زبان بندگانش جاری می‌سازد می‌توان شناخت.
۱۲	فرصت مدیریت و ذخیره عمل صالح	بنابراین باید محبوب‌ترین ذخیره در پیش تو عمل صالح باشد. زمام هوا و هوس را در دست گیر و آنچه برایت حلال نیست نسبت به خود بخل روا دار؛ زیرا بخل نسبت به خویش‌ت این است که راه انصاف را در آنچه محبوب و مکروه توست پیش گیری.
۱۳	مهرورزی و پرهیز از خودکامگی حاکم	قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن، و همچون حیوان درنده‌ای نسبت به آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا آنها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تواند، یا انسان‌هایی همچون تو.

<p>گاه از آنها لغزش و خطا سر می‌زند، ناراحتی‌هایی به آنان عارض می‌گردد، به دست آنان عمداً یا به‌طور اشتباه کارهایی انجام می‌شود. از عفو و گذشت خود آن مقدار به آنها عطا کن که دوست داری خداوند از عفو تو به تو عنایت کند؛ زیرا تو مافوق آنها، و پیشوایت مافوق تو و خداوند مافوق کسی است که تو را زمامدار قرار داده است و امور آنان را به تو واگذار کرده، و به‌وسیله آنها تو را آزمایش کرده است.</p>	<p>مدارا، عفو و گذشت</p>	<p>۱۴</p>
<p>هرگز خود را در مقام نبرد با خدا قرار مده؛ چراکه تو تاب کیفر او را نداری و از عفو و رحمت او بی‌نیاز نیستی.</p>	<p>پرهیز از اعلام جنگ با خداوند</p>	<p>۱۵</p>
<p>هرگز از عفو و بخششی که نموده‌ای پشیمان مباش و هیچ‌گاه از کیفری که نموده‌ای به خود مبال و نیز هرگز نسبت به کاری که پیش می‌آید و راه چاره دارد سرعت به خرج مده.</p>	<p>پشیمان نشدن از عفو و مباحات نکردن به کیفر</p>	<p>۱۶</p>
<p>مگو من مأمورم و بر اوضاع مسلط هستم، امر می‌کنم و باید اطاعت شود که این موجب دخول فساد در قلب، و خرابی دین، و نزدیک شدن تغییر و تحول در قدرت است.</p>	<p>پرهیز از تحکم به شهروندان</p>	<p>۱۷</p>
<p>آن‌گاه که بر اثر موقعیت و قدرتی که در اختیار داری کبر و عجب و خودپسندی در تو پدید آید، به عظمت قدرت و ملک خداوند که مافوق توست نظر افکن که این تو را از آن سرکشی پایین می‌آورد و آن شدت و تندگی را از تو بازمی‌دارد و آنچه از دستت رفته است، یعنی نیروی عقل و اندیشه‌ات که تحت تأثیر این خودپسندی واقع شده، به تو بازمی‌گردد. از همتایی در علو و بزرگی با خداوند برحذر باش و از تشبه به او در جبروتش خود را برکنار دار؛ چراکه خداوند هر جباری را ذلیل و هر فرد خودپسند و متکبری را خوار خواهد ساخت.</p>	<p>مبارزه با خودبزرگ‌بینی و برتری‌جویی</p>	<p>۱۸</p>
<p>نسبت به خداوند و نسبت به مردم از جانب خود، و از جانب افراد خاص خاندانت، و از جانب رعایایی که به آنها علاقه‌مندی، انصاف به خرج ده که اگر چنین نکنی ستم نموده‌ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند، خداوند پیش از بندگان دشمن او خواهد بود، و کسی که خداوند دشمن او باشد دلیلش را باطل می‌سازد و با او به جنگ</p>	<p>انصاف با مردم</p>	<p>۱۹</p>

<p>می‌پردازد تا دست از ظلم بردارد یا توبه کند؛ و بدان هیچ چیزی در تغییر نعمت‌های خدا و تعجیل انتقام و کیفرش، از اصرار بر ستم سریع‌تر و زودرس‌تر نیست؛ چراکه خداوند دعا و خواسته مظلومان را می‌شنود و در کمین ستمگران است.</p>		
<p>این را نیز بدان که احدی از رعایا از نظر هزینه زندگی در حالت صلح و آسایش بر والی سنگین‌تر، و به هنگام بروز مشکلات در اعانت و همکاری کمتر، و در اجرای انصاف ناراحت‌تر، و به هنگام درخواست و سؤال پراصرارتر، و پس از عطا و بخشش کم‌سپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیرعذرپذیرتر، و در ساعات رویارویی با مشکلات کم‌استقامت‌تر از «گروه خواص» نخواهند بود.</p>	<p>خواص حکومت</p>	<p>۲۰</p>
<p>باید محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشند که با حق و عدالت موافق‌تر و با رضایت توده مردم هماهنگ‌تر است؛ چراکه خشم توده مردم، خشنودی خواص را بی‌اثر می‌سازد، اما ناخشنودی خاصان با رضایت عموم جبران‌پذیر است.</p>	<p>عدالت در تصمیم‌گیری</p>	<p>۲۱</p>
<p>پایه دین و جمعیت مسلمانان و ذخیره دفاع از دشمنان تنها توده ملت هستند. بنابراین، باید گوشت به آنها و میلت با آنان باشد.</p>	<p>دستیابی به رضایت مردم</p>	<p>۲۲</p>
<p>باید آنها که نسبت به رعیت عیب‌جوترند از تو دور باشند؛ زیرا مردم عیوبی دارند که والی در ستر و پوشاندن آن عیوب از همه سزاوارتر است. درصدد مباحث که عیب‌پنهانی آنها را به دست آوری، بلکه وظیفه تو آن است که آنچه برای ظاهر گشته اصلاح کنی و آنچه از تو مخفی است خدا درباره آن حکم می‌کند. بنابراین تا آنجا که توانایی داری عیوب مردم را پنهان ساز تا خداوند عیوبی را که دوست داری برای مردم فاش نشود مستور دارد.</p>	<p>پوشاندن عیوب مردم</p>	<p>۲۳</p>
<p>با رفتار خوب عقده آنها را که کینه دارند بگشا و اسباب دشمنی و عداوت را قطع کن و از آنچه برایت روشن نیست تغافل نما. به تصدیق سخن چنان تعجیل مکن؛ زیرا آنان گرچه در لباس ناصحین جلوه‌گر شوند، خیانت می‌کنند.</p>	<p>دوری از کینه‌ورزی</p>	<p>۲۴</p>

<p>بخیل را در مشورت خود دخالت مده، زیرا که تو را از احسان منصرف می‌سازد و از تهی‌دستی و فقر می‌ترساند، و نیز با افراد ترسو مشورت مکن، زیرا در کارها روحیه‌ات را تضعیف می‌نمایند. همچنین حریص را به مشاوره مگیر که حرص را با ستمگری در نظرت زینت می‌دهد. همه آنچه درباره این افراد گفتم به خاطر این است که بخل و ترس و حرص و غرایز، تمایلات متعددی هستند که جمع آنها سوءظن به خدای بزرگ است.</p>	<p>شرایط و ضوابط مشورت در تصمیم‌گیری</p>	<p>۲۵</p>
<p>بدترین وزرا کسانی هستند که وزیر زمامداران بد و اشرار پیش از تو بوده‌اند. کسی که با آن گناهکاران در کارها شرکت داشته، نباید صاحب سِرّ تو باشد. آنها همکاران گناهکاران و برادران ستمکاران‌اند.</p>	<p>انتخاب منابع انسانی</p>	<p>۲۶</p>
<p>تو بهترین جانشین را از میان مردم به جای آنها خواهی یافت؛ از کسانی که از نظر فکر و نفوذ اجتماعی کمتر از آنها نیستند، و در مقابل، بار گناهان آنها را بر دوش ندارند؛ از کسانی هستند که با ستمگران در ستمشان همکاری نکرده و در گناه شریک آنان نبوده‌اند. این افراد هزینه‌شان بر تو سبک‌تر، همکاری‌شان با تو بهتر، محبتشان با تو بیشتر، و انس و الفتشان با بیگانگان کمتر است. بنابراین، آنها را از خواص و دوستان خود و رازداران خویش قرار ده.</p>	<p>انتصاب منابع انسانی</p>	<p>۲۷</p>
<p>سپس از میان اینان افرادی را که در گفتن حق از همه صریح‌تر و در مساعدت و همراهی در آنچه خداوند برای اولیایش دوست نمی‌دارد به تو کمتر کمک می‌کنند، مقدم دار؛ خواه موافق میل تو باشند یا نه. به اهل ورع و صدق و راستی بپیوند و آنان را طوری تربیت کن که ستایش بی حد از تو نکنند و تو را برای اعمال نادرستی که انجام نداده‌ای تمجید نمایند؛ زیرا مدح و ستایش بیش از حد عجب و خودپسندی به بار می‌آورد و انسان را به کبر و غرور نزدیک می‌سازد.</p>	<p>ویژگی‌های منابع انسانی شایسته</p>	<p>۲۸</p>
<p>هرگز نباید افراد نیکوکار و بدکار در نظرت مساوی باشند؛ زیرا این کار سبب می‌شود که افراد نیکوکار در نیکی‌هایشان بی‌رغبت شوند و بدکاران در عمل بدشان تشویق گردند. هریک از اینها را مطابق کارشان پاداش ده.</p>	<p>نظام تشویق و تنبیه</p>	<p>۲۹</p>

<p>سپس با فرستادن مأموران مخفی راست‌گو و باوفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیر؛ زیرا بازرسی مداوم و پنهانی، سبب می‌شود آنها به امانت‌داری و مدارا کردن با زیردستان ترغیب شوند.</p>	<p>روش نظارت</p>	<p>۳۰</p>
<p>اعوان و انصار خویش را سخت زیر نظر بگیر. اگر یکی از آنها دست به خیانت زد و مأموران سرّی تو متفقاً چنین گزارشی را دادند، به همین مقدار از شهادت قناعت کن و او را زیر تازیانه کیفر بگیر و به مقدر خیانتی که انجام داده او را کیفر نما. سپس وی را در مقام خواری و مذلت بنشان و نشانه خیانت را بر او بنه و گردن بند ننگ و تهمت را به گردنش بیفکن.</p>	<p>برخورد قاطع با متخلفان بعد از گزارش‌های نظارتی متقن</p>	<p>۳۱</p>
<p>میدان امید سران سپاهت را توسعه بخش و پی‌درپی آنها را تشویق کن و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یادآوری کارهای نیک آنها، شجاعتشان را به حرکت بیشتر وادار می‌کند و آنان که در کار کندی می‌ورزند به کار تشویق می‌شوند ان‌شاءالله.</p>	<p>تقدیر از کارهای سران سپاه و اعلام رسمی خدمات آنان در جمع</p>	<p>۳۲</p>
<p>سپس باید زحمات هریک از آنها را به‌دقت بدانی و هرگز زحمت و تلاش کسی از آنان را به دیگری نسبت ندهی و ارزش خدمت او را کمتر از آنچه هست به حساب نیاوری، و از سوی دیگر شرافت و آبروی کسی موجب این نشود که کار کوچکش را بزرگ بشماری، و همچنین حقارت و کوچکی کسی موجب نگردد که خدمت پرارچش را کوچک به حساب آوری.</p>	<p>تقدیر عادلانه از خدمات سران سپاه</p>	<p>۳۳</p>
<p>بدان که از هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی، به وفاداری رعیت، بهتر از احسان به آنها و تخفیف هزینه‌ها بر آنان، و عدم اجبارشان به کاری که وظیفه ندارند نیست. در این راه آن‌قدر بکوش تا به وفاداری آنان خوش‌بین شوی. این خوش‌بینی بار رنج فراوانی را از دوشت برمی‌دارد. سزاوار است به آنها که بیشتر مورد احسان تو قرار گرفته‌اند خوش‌بین‌تر باشی و به‌عکس، به آنها که مورد بدرفتاری تو واقع شده‌اند بدبین‌تر.</p>	<p>بالا بردن اعتماد شهروندان</p>	<p>۳۴</p>
<p>هرگز سنت پسندیده‌ای را که پیشوایان این امت به آن عمل کرده‌اند و ملت اسلام با آن انس و الفت گرفته و امور رعیت به وسیله آن اصلاح می‌گردد، نقض مکن و نیز سنت و روشی که به سنت‌های گذشته زیان</p>	<p>تداوم سنت‌های مثبت و حسنه گذشتگان</p>	<p>۳۵</p>

<p>وارد می‌کند احداث منما که اجرا برای کسی خواهد بود که آن سنت‌ها را برقرار کرده، و گنااهش بر تو که آنها را نقض نموده‌ای.</p>		
<p>با دانشمندان زیاد به گفت‌وگو بنشین و با حکما و اندیشمندان نیز بسیار به بحث پرداز. این گفت‌وگوها و بحث‌ها باید درباره اموری باشد که وضع کشور را اصلاح می‌کند و آنچه موجب قوام کار مردم پیش از تو بوده.</p>	<p>هم‌نشینی با بزرگان و دانشمندان</p>	<p>۳۶</p>
<p>بدان مردم از گروه‌های مختلف تشکیل یافته‌اند که هر یک جز به وسیله دیگری اصلاح و تکمیل نمی‌شوند، و هیچ‌یک از دیگری بی‌نیاز نیستند. لشکریان خدا، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات عالی و دادگستر، عاملان انصاف و مدارا، اهل جزیه و مالیات اعم از کسانی که در پناه اسلام‌اند یا مسلمان هستند و تجار و صنعتگران و بالاخره قشر پایین یعنی نیازمندان و مستمندان، برای هر یک از این گروه‌ها خداوند سهمی را مقرر داشته و در کتاب خدا یا سنت پیامبر که به صورت عهد در نزد ما محفوظ است این سهم را مشخص و معین ساخته است.</p>	<p>تقسیم‌بندی اقشار مردم و توزیع عادلانه ثروت و رفاه</p>	<p>۳۷</p>
<p>اما سپاهیان با اذن پروردگار حافظان و پناهگاه رعیت، زینت زمامداران، عزت و شوکت دین و راه‌های امنیت‌اند. قوام رعیت جز به وسیله اینان ممکن نیست. از طرفی برقراری سپاه جز به وسیله خراج امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ زیرا با خراج برای جهاد با دشمن تقویت می‌شوند، و برای اصلاح خود به آن تکیه می‌نمایند و با آن رفع نیازمندی‌های خویش را می‌کنند.</p>	<p>ویژگی‌های سپاهیان</p>	<p>۳۸</p>
<p>سپس این دو گروه (سپاهیان و مالیات‌دهندگان) جز با گروه سوم قوام و پایداری نمی‌پذیرند و آنها عبارت‌اند از قضات و کارگزاران دولت و منشی‌ها؛ زیرا آنها قراردادهای و معاملات را استحکام می‌بخشند و مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و در ضبط امور خصوصی و عمومی مورد اعتماد و اطمینان هستند و این گروه‌ها بدون تجار و پیشه‌وران و صنعتگران قوامی ندارند؛ زیرا آنها وسایل زندگی را جمع‌آوری می‌کنند و در بازارها عرضه می‌نمایند و وسایل و ابزاری را با دست خود می‌سازند که در امکان دیگران نیست.</p>	<p>نقش گروه‌های اجتماعی در گردش کار کشور</p>	<p>۳۹</p>

<p>سپس قشر پایین نیازمندان و ازکارافتادگان هستند که باید به آنها مساعدت و کمک نمود و برای هریک به خاطر خدا سهمی مقرر داشت و نیز هریک از نیازمندان به مقدار اصلاح کارشان بر والی حق دارند، و هرگز والی از ادای آنچه خداوند او را ملزم به آن ساخته خارج نخواهد شد، جز با اتمام و کوشش و استعانت از خداوند، و مهیا ساختن خود بر ملازمت حق و شکیبایی و استقامت در برابر آن، خواه بر او سبک باشد یا سنگین.</p>	<p>تأمین حقوق اجتماعی در اسلام</p>	<p>۴۰</p>
<p>فرمانده سپاهت را کسی قرار ده که در پیش تو نسبت به خدا و پیامبر و امام تو خیرخواه‌تر از همه و پاک‌دل‌تر و عاقل‌تر باشد از کسانی که دیر خشم می‌گیرند و عذرپذیرند، نسبت به ضعف‌ارنوف و مهربان و در مقابل زورمندان قوی و پر قدرت، از کسانی که مشکلات آنها را از جای به در نمی‌آورد و ضعف همراهان، آنها را به زانو در نمی‌آورد.</p>	<p>انتصاب فرماندهان و ویژگی‌های آنان</p>	<p>۴۱</p>
<p>سپس روابط خود را با افراد باشخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز و پس از آن، با مردمان شجاع و سخاوتمند و افراد بزرگوار؛ چراکه آنها کانون گرم و مراکز نیکی هستند.</p>	<p>روابط اجتماعی در مدیریت</p>	<p>۴۲</p>
<p>آن‌گاه از آنان آن‌گونه تفقد کن که پدر و مادر از فرزندانشان تفقد و دلجویی می‌کنند و هرگز نباید چیزی را که به وسیله آن، آنها را نیرو می‌بخشی در نظر تو بزرگ آید و نیز نباید لطف و محبتی که با بررسی وضع آنها می‌نمایی هر چند اندک باشد، خرد و حقیر بشماری؛ زیرا همین لطف و محبت‌های کم، آنان را وادار به خیرخواهی و حسن ظن به تو می‌کند. هرگز از بررسی جزئیات امور آنها به دلیل انجام دادن کارهای بزرگ ایشان، چشم‌پوش؛ زیرا همین الطاف و محبت‌های جزئی جایی برای خود دارد که از آن بهره‌برداری می‌کنند و کارهای بزرگ نیز موقعیتی دارد که خود را از آن بی‌نیاز نمی‌دانند.</p>	<p>لزوم توجه ویژه به فرماندهان</p>	<p>۴۳</p>
<p>فرماندهان لشکر تو باید کسانی باشند که در کمک به سپاهیان پیش از همه مواسات کنند و از امکانات خود بیشتر به آنان کمک نمایند؛ به حدی که هم سربازان و هم کسانی که تحت تکفل آنها هستند اداره شوند؛</p>	<p>همکاری و تعامل فرماندهان با یکدیگر</p>	<p>۴۴</p>

<p>به طوری که همه آنها تنها به یک چیز بیندیشند و آن جهاد با دشمن است. محبت و مهربانی تو به آنان، قلب‌هایشان را به تو متوجه می‌سازد.</p>		
<p>برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می‌شود، برقراری عدالت در همه بلاد و آشکار شدن علاقه رعایا به آنهاست، اما مودت و محبت آنان جز با پاکی دل‌هایشان نسبت به والیان آشکار نمی‌گردد و خیرخواهی آنها در صورتی مفید است که با میل خود گرداگرد زمامداران را بگیرند، و حکومت آنها برایشان سنگینی نکند و طولانی شدن مدت زمامداری‌شان برای این رعایا ناگوار نباشد.</p>	<p>عدالت و مهرورزی و بقای حاکم در کشور</p>	<p>۴۵</p>
<p>میدان امید سران سپاهت را توسعه بخش و پی‌درپی آنها را تشویق کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یادآوری کارهای نیک آنها شجاعانشان را به حرکت بیشتر وادار می‌کند و آنان که در کار کندی می‌ورزند به کار تشویق می‌شوند ان شاء الله. سپس باید زحمات هریک از آنها را به دقت بدانی و ارزش خدمت او را کمتر از آنچه هست به حساب نیاوری و از سوی دیگر، شرافت و آبروی کسی موجب این نشود که کار کوچکش را بزرگ بشماری و همچنین حقارت و کوچکی کسی موجب نگردد که خدمت پرارزش را کوچک به حساب آوری.</p>	<p>راهکارهای جلب رضایت عمومی</p>	<p>۴۶</p>
<p>مشکلاتی که در احکام برایت پیش می‌آید، و اموری که بر تو مشتبه می‌شود به خدا و پیامبرش ارجاع ده؛ چراکه خداوند به گروهی که علاقه داشته ارشادشان کند فرموده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت خداوند کنید و اطاعت پیامبرش و اطاعت اولوالامری که از خود شما هستند، و اگر در چیزی نزاع کردید، آن را به خدا و رسولش بازگردانید.» بازگرداندن چیزی به خداوند متمسک شدن به قرآن و یافتن دستور از آیات محکم آن است و بازگرداندن به پیامبر همان تمسک به سنت قطعی و مورد اتفاق آن حضرت است.</p>	<p>نقش توکل و اطاعت در مدیریت</p>	<p>۴۷</p>
<p>سپس از میان مردم، برترین فرد در نزد خود را برای قضاوت برگزین؛ از کسانی که مراجعه فراوان، آنها را در تنگنا قرار ندهد و برخورد مخالفان با یکدیگر، او را به خشم و کج خلقی واندارد، در اشتباهاتش پافشاری</p>	<p>ویژگی‌های قضات</p>	<p>۴۸</p>

<p>نکند و بازگشت به حق هنگامی که برای آنها روشن شد، بر آنها سخت نباشد، طمع را از دل بیرون کند و در فهم مطالب به اندک تحقیق اکتفا نکند، از کسانی که در شبهات از همه محتاط‌تر و در یافتن و تمسک به حجت و دلیل از همه مصرتر باشند، با مراجعه مکرر شکایت‌کنندگان کمتر خسته شوند و در کشف امور شکیباتر و به هنگام آشکار شدن حق در فصل خصومت از همه قاطع‌تر باشند، از کسانی که ستایش فراوان آنها را فریب ندهد و تمجیدهای بسیار آنان را متمایل به جانب مدح‌کننده نسازد؛ ولی البته این افراد بسیار کم‌اند.</p>		
<p>آن‌گاه با جدیت هرچه بیشتر قضاوت‌های قاضی خویش را بررسی کن و در بذل و بخشش به او سفره سخاوت را بگستر، آن‌چنان‌که نیازمندی‌اش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم پیدا نکند، و از نظر منزلت و مقام آن‌قدر مقامش را نزد خودت بالا ببر که هیچ‌یک از یاران نزدیکت به نفوذ در او طمع نکند، و از توطئه این‌گونه افراد در نزد تو در امان باشد. در آنچه گفتم با دقت بنگر؛ چراکه این دین اسیر دست اشرار، و وسیله هوس‌رانی و دنیاطلبی گروهی بوده است.</p>	<p>حقوق و مزایای مادی و معنوی مکفی قضاات</p>	<p>۴۹</p>

همان‌گونه که در جدول ۱ آورده شده است، با بررسی متن فرمان حکومتی، مضامین پایه استخراج شد. مضمون پایه، نزدیک‌ترین درون‌مایه به جملات کلیدی است. به‌عنوان مثال، مضمون عبارت «او را به متابعت از آنچه در کتاب خدا (قرآن) به آن امر شده است، فرمان می‌دهد؛ به متابعت اوامری که در کتاب الله آمده، فریاض و واجبات و سنت‌ها؛ همان دستورهایی که هیچ‌کس جز با متابعت آنها روی سعادت نمی‌بیند و جز با انکار و ضایع ساختن آنها در شقاوت و بدبختی واقع نمی‌شود»، «شقاوت و بدبختی در صورت سهل‌انگاری در اجرای امور حکومتی» در نظر گرفته شد. همچنین مضمون «فرمانده سپاهت را کسی قرار ده که در پیش تو نسبت به خدا و پیامبر و امام تو خیرخواه‌تر از همه و پاک‌دل‌تر و عاقل‌تر باشد از کسانی که دیر خشم می‌گیرند و عذرپذیرند، نسبت به ضعفائ و مهربان و در مقابل زورمندان قوی و پرقدرت؛ از کسانی که مشکلات آنها را از جای به در نمی‌آورد و ضعف همراهان، آنها را به زانو در نمی‌آورد»، «انتصاب فرماندهان

ویژگی‌های آنان» نام‌گذاری شد. روند کدگذاری به همین ترتیب تا پایان ادامه داشت. در مرحله بعد، پژوهشگر با بررسی مضامین پایه (کدهای اولیه)، چهار الزام کلی در کدها کشف کرد. این الزامات، همان رویکردهای چهارگانه حکومت‌داری پایدار نامیده شد؛ چراکه برای ایجاد و فراگیر شدن حکومت‌داری پایدار در کشور، این الزامات مورد نیازند و اگر مخدوش شوند، بخشی از حکومت اسلامی آسیب می‌بیند:

الزام اول «مدیریت توسعه پایدار اقتصادی» نام گرفت. منظور مدیریتی است که از طریق پس‌انداز، منابع ارزشمند حیاتی برای نسل‌های آینده حاصل می‌شود. تحقق این امر به اجرای «اصل توزیع منصفانه و برابر میان نسل‌ها» بستگی دارد. تأکید اصلی این الزام در فرمان حکومتی مزبور بر بُعد مدیریتی و رفتاری توسعه اقتصادی است. ماهیت این الزام به نحوی است که رعایت آن به خود حکومت‌ها وابسته است. اجرای این نوع از مدیریت، در گرو نگاه به داخل کشور به جای نگاه به خارج یا دولت‌های خارجی است. به‌عنوان مثال، حضرت می‌فرمایند: «استقامت سربازان ممکن نیست، جز با آنچه خدای بر آنها مقرر فرموده است از خراجی که مُسَلِّم و ذمی بدهند، و آنها در پیکار با دشمن با آن تقویت شوند، و در سر و سامان دادن به امور زندگی و رفع نیازمندی‌های خویش بدان اعتماد جویند.» در این بخش از فرمان، به مهم‌ترین وظیفه کارگزاران به زبان امروز که همان «تأمین و مدیریت منابع مالی» است، اشاره شده است. همچنین در عبارت «اصلاح و ارشاد مردم جزء وظایف مالک و از جمله کارهای اساسی اوست» حضرت به برنامه اصلاح امور اشاره دارند. اصلاح امور مردم بر پایه عدالت اقتصادی، ویژگی اصلی حکومت اسلامی است. معروف است حضرت علیؑ هفته‌ای یک بار درآمد اضافه بیت‌المال را به‌تساوی بین تمام مردم قلمرو حکومت خود تقسیم می‌کردند و خود مردم تصمیم می‌گرفتند چگونه خرج کنند؛ زیرا مخارج مردم یک‌سان نیست و آنچه باعث اصلاح اوضاعشان می‌شود نیز یکی نیست؛

الزام دوم «مدیریت توسعه پایدار اکولوژیکی» نام گرفت. منظور مدیریتی است که از طریق حفاظت از منابع طبیعی و تجدیدنابذیر، جلوگیری از اثر گل‌خانه‌ای، فرسایش خاک، و آلودگی آب‌های زیرزمینی، آسیب‌های زیست‌محیطی و نیز از طریق تنوع زیست‌محیطی

تحقق می‌پذیرد. تأکید اصلی این الزام در فرمان حکومتی مزبور بر بُعد رفتاری توسعه اکولوژیکی است. به‌عنوان مثال، در عبارت «به عمران و آبادی شهرها، قصبات، روستاها و قریه‌های آن پرداز» توصیه به برنامه‌سازی کشوری شده است؛ چراکه آن حضرت عمران قلمرو حکومتی و ساختن و آباد کردن کشور را یکی از وظایف حکومت دانسته‌اند؛

الزام سوم «مدیریت توسعه پایدار اجتماعی» نام گرفت. منظور مدیریتی است که از طریق حفظ ثبات سیستم‌های اجتماعی، برابری میان نسل‌های مختلف، تنوع فرهنگی، ایجاد زمینه برای مشارکت وسیع مردم در تصمیم‌گیری، و تحقق اصل توسعه پایدار عدالت اجتماعی عملی می‌شود. تأکید اصلی این الزام در فرمان حکومتی مزبور بر بُعد مدیریتی و رفتاری توسعه اجتماعی است. عدالت اجتماعی دارای دو لایه مشهود و نامشهود است. در لایه مشهود عدالت اجتماعی، عبارتی مانند «سپس این دو گروه (سپاهیان و مالیات‌دهندگان) جز با گروه سوم قوام و پایداری نمی‌پذیرند و آنها عبارت‌اند از قضات و کارگزاران دولت و منشی‌ها؛ زیرا آنها قراردادهای و معاملات را استحکام می‌بخشند و مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و در ضبط امور خصوصی و عمومی مورد اعتماد و اطمینان هستند و این گروه‌ها بدون تجار و پیشه‌وران و صنعتگران قوامی ندارند؛ زیرا آنها وسایل زندگی را جمع‌آوری می‌کنند و در بازارها عرضه می‌نمایند و وسایل و ابزاری را با دست خود می‌سازند که در امکان دیگران نیست»، به‌نوعی اشاره به نقش گروه‌های اجتماعی در گردش کار کشور دارد. از طرف دیگر، در لایه نامشهود عدالت اجتماعی عبارتی مانند «باید محبوب‌ترین کارها نزد تو اموری باشند که با حق و عدالت موافق‌تر و با رضایت توده مردم هماهنگ‌تر است؛ چراکه خشم توده مردم، خشنودی خواص را بی‌اثر می‌سازد، اما ناخشنودی خاصان با رضایت عموم جبران‌پذیر است» دیده می‌شود. این عبارت اشاره به «تصمیم‌گیری برای مردم» دارد و از مقاصد تحکمی آن حضرت به مالک است، نه مقاصد ایجابی؛

الزام چهارم «مدیریت توسعه پایدار سیاسی» نام گرفت. منظور ساختاری است که در صورت مدیریت صحیح آن، ساختار سیاسی از تمام نیرو در سمت پیشرفت مورد نظر همگان بهره‌مند خواهد شد و باید به گونه‌ای حل گردد که اولاً برآورده‌کننده منفعت همگان باشد، ثانیاً

توانایی‌های مادی و معنوی ساختار را آزاد بگذارد؛ به نحوی که نسل‌های آینده از وجود آن آسایش خاطر داشته باشند و عزم و توانایی‌های خود را برای سمت مسائلی که در آینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی در مسیر ملت قرار می‌گیرد، به کار گیرند (اخباری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳-۵۸). تأکید اصلی این الزام در فرمان حکومتی مزبور بر بُعد مدیریتی و رفتاری توسعه سیاسی است. عبارت «برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران می‌شود، برقراری عدالت در همه بلاد و آشکار شدن علاقه رعایا نسبت به آنهاست، اما مودت و محبت آنان جز با پاک‌ی دل‌هایشان نسبت به والیان آشکار نمی‌گردد و خیرخواهی آنها در صورتی مفید است که با میل خود گردآرد زمامداران را بگیرند، و حکومت آنها برایشان سنگینی نکند و طولانی شدن مدت زمامداری‌شان برای این رعایا ناگوار نباشد»، به «عدالت و مهرورزی و بقای حاکم در کشور» اشاره دارد. از سوی دیگر، حضرت می‌فرماید: «قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن، و همچون حیوان درنده‌ای در برابر آنان مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا آنها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تواند یا انسان‌هایی همچون تو»؛ که به «مهرورزی و پرهیز از خودکامگی حاکم» تعبیر شده است.

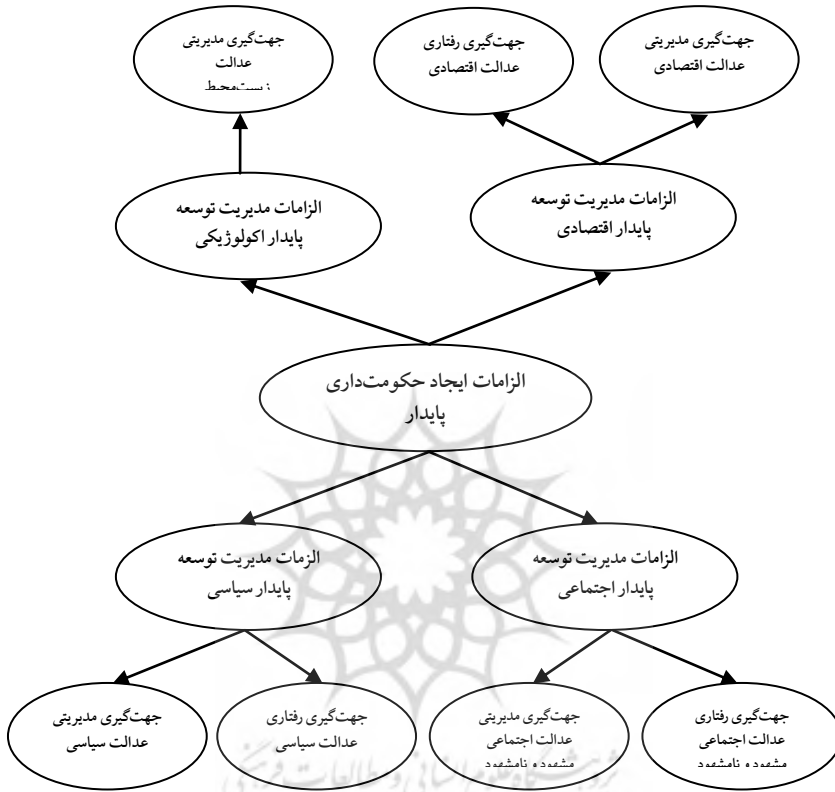
درنهایت رابطه بین مضامین چهارگانه به این شکل مطرح است: حکومت‌ها در الزامات اقتصادی به دنبال تعریف مجدد، ساختار مجدد و مهندسی مجدد اقتصادی هستند؛ نگاهی که می‌تواند عدالت اقتصادی را در جامعه فراهم آورد و به سطح زیربنایی معروف است. در الزامات اکولوژیکی به بحث عمران شهری و روستایی، دستیابی به آب آشامیدنی، ترکیب منابع انسانی در حوزه جغرافیایی شهر و روستا، و تجهیزات درونی و بیرونی حکومت‌ها اشاره شده است؛ نگاهی که می‌تواند عدالت زیست‌محیطی را بسترسازی نماید و به سطح روبنایی معروف است. الزامات اجتماعی، ظرفیت‌سازی توسعه پایدار اجتماعی را پدید می‌آورد؛ توسعه‌ای که حاکمان می‌توانند عدالت اجتماعی را در جامعه مستقر کنند، و به سطح ظرفیت‌سازی معروف است. بالاخره در الزامات سیاسی، هدایت منابع انسانی در راستای مسیر پیشرفت مورد نظر حاکمان در قالب اسناد بالادستی مطرح است؛ نگاهی که می‌تواند عدالت سیاسی را در جامعه مهیا کند، به سطح بازخورد معروف است. جمع‌بندی این الزامات را می‌توان در جدول ۲ دید.

جدول ۲: مضامین پژوهش

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
تأمین و مدیریت منابع مالی، اصلاح امور، شقاوت و بدبختی در صورت سهل‌انگاری در امور حکومتی، نصرت الهی، تقسیم‌بندی اقشار مردم و توزیع عادلانه ثروت و رفاه، حقوق و مزایای مادی و معنوی مکفی قضات.	جهت‌گیری مدیریتی عدالت اقتصادی	سطح الزامات مدیریت توسعه پایدار اقتصادی
ترجیح اطاعت از خدا بر اطاعت از دیگران، فرصت مدیریت و ذخیره عمل صالح، پرهیز از اعلام جنگ با خداوند، پشیمان نشدن از عفو و مباحات نکردن به کیفر، نظام تشویق و تنبیه، روش نظارت، برخورد قاطع با متخلفان بعد از گزارش‌های نظارتی متن.	جهت‌گیری رفتاری عدالت اقتصادی	سطح الزامات مدیریت توسعه پایدار اکولوژیکی
عمران و آبادی شهرها، قصبات، روستاها و قریه‌ها در قالب برنامه سازندگی.	جهت‌گیری مدیریتی عدالت زیست‌محیطی	سطح الزامات مدیریت توسعه پایدار اکولوژیکی
عدالت در تصمیم‌گیری، انتخاب منابع انسانی، انتصاب منابع انسانی جدید، تقدیر از کارهای سران سپاه و اعلام رسمی خدمات آنان در جمع، شرایط و ضوابط مشورت در تصمیم‌گیری، تقدیر عادلانه از خدمات سران سپاه.	جهت‌گیری مدیریتی عدالت اجتماعی مشهود و نامشهود	سطح الزامات مدیریت توسعه پایدار اجتماعی
داشتن تقوای الهی، مبارزه با خودبزرگ‌بینی و برتری‌جویی، انصاف با مردم، دستیابی به رضایت مردم، ویژگی‌های منابع انسانی شایسته، تداوم سنت‌های مثبت و حسنه گذشتگان، ویژگی‌های سپاهیان، نقش گروه‌های اجتماعی در گردش کار کشور، تأمین حقوق اجتماعی در اسلام.	جهت‌گیری رفتاری عدالت اجتماعی مشهود و نامشهود	سطح الزامات مدیریت توسعه پایدار اجتماعی
تأمین نظم و امنیت، مدارا، عفو و گذشت، پرهیز از تحکم به شهروندان، خواص حکومت، پوشاندن عیوب مردم، دوری از کینه‌ورزی.	جهت‌گیری مدیریتی عدالت سیاسی	سطح الزامات مدیریت توسعه پایدار سیاسی
صیانت نفس و کنترل قدرت، درس گرفتن از تاریخ، مهرورزی و پرهیز از خودکامگی، بالا بردن اعتماد شهروندان، هم‌نشینی با بزرگان و اندیشمندان.	جهت‌گیری رفتاری عدالت سیاسی	سطح الزامات مدیریت توسعه پایدار سیاسی

باتوجه به جدول ۲ می‌توان نمای تصویری یا شبکه مضامین پژوهش را در قالب شکل ۱

نشان داد.



شکل ۱: شبکه مضامین پژوهش

نتیجه‌گیری

یکی از مفاهیم جدید در حوزه میان‌رشته‌ای مدیریت منابع انسانی، مفهوم حکومت‌داری پایدار است که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. در مطالعات دنیای غرب دو رهیافت مطرح است: رهیافت لیبرالیستی و رهیافت نئولیبرالیستی. رهیافت لیبرالیستی، حکومت‌داری پایدار را در سه مفهوم آزادی اخلاقی و دینی، آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی خلاصه می‌کند. نقدی که بر این رهیافت وارد است

اینکه در لیبرالیسم، آزادی از قیود اخلاقی و دینی مطرح است. چهار جریان مشخص در اندیشه لیبرالیسم وجود دارد که یکی از این چهار جریان، نئولیبرالیسم است؛ جریانی که در واقع از طریق به کار گرفتن نیروی کار و منابع ملل محروم جهان سوم، درصد گسترش منابع کشورهای غربی هستند.

از آنجاکه رهیافت‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی جواب‌گوی شکل‌گیری حکومت‌داری پایدار ارزشی-اسلامی نیستند، خلأ مطالعه رهیافت سومی تحت عنوان حکومت‌داری پایدار بر اساس آموزه‌های دینی به‌ویژه فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر بیشتر نمود پیدا می‌کند. مفهوم حکومت‌داری پایدار در پژوهش‌های دانشگاهی ایران توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، اما پژوهش‌هایی که با نحله فلسفه دینی آن را مورد ملاحظه قرار دهند، چندان قابل توجه نیستند. لذا این پژوهش، مؤلفه‌های حکومت‌داری پایدار مبتنی بر فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر را در قالب یک الگوی مدون مطرح ساخت.

این الگو شامل چهار سطح از الزامات برای شکل‌گیری و ایجاد حکومت‌داری پایدار است: در سطح اول الزامات، تأمین و مدیریت منابع مالی حائز اهمیت است و رویکرد مدیریتی دارد، ولی رویکرد رفتاری این سطح را نباید فراموش کرد و آن عبارت است از ترجیح اطاعت از خدا بر اطاعت از دیگران. حکومت‌داری پایدار نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. نمی‌توان توقع حکومت‌داری خوب و پایدار را داشت، مگر اینکه حاکمان جامعه ظلم نکردن به شهروندان و برخورد قاطع با متخلفان مالی بعد از گزارش‌های نظارتی متقن را سرلوحه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و کنترل خود قرار دهند. به این سطح، سطح زیربنایی می‌گویند؛

در سطح دوم الزامات، حفاظت از محیط زیست جزئی از برنامه سازندگی حاکمان شمرده می‌شود؛ کارکردی که استقرارش، منجر به رشد رفاه انسانی در جامعه خواهد شد. غفلت از این برنامه موجب انحراف از اهداف پیش‌بینی‌شده در اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و تحمیل آثار زیان‌بار اجتماعی

و محیطی به جوامع خواهد شد. لذا برای موفقیت حکمرانی خوب و پایدار، خصوصی‌سازی در این حوزه به نفع جامعه نیست. در این سطح، رفتارهایی قرار دارند که موجب ارتقای حکومت‌داری پایدار می‌شوند و از آن می‌توان به‌عنوان عدالت زیست‌محیطی نام برد. به این سطح، سطح روبنایی می‌گویند؛

سطح سوم الزامات، سطح پرننگ فرمان حکومتی حضرت علیؑ به مالک اشتر است؛ چراکه انتخاب و انتصابات منابع انسانی بر اساس شایسته‌سالاری، کنترل حواشی قدرت و پیشگیری از وقوع نارضای عمومی در جامعه را به والیان، مسئولان و کارگزاران حکومتی گوشزد می‌کند که برخی از آنها مشهود و برخی دیگر در حکومت‌ها نامشهودند. تقویت هم‌بستگی و مشورت در تصمیم‌گیری از اولویت آن حضرت در حکومت‌داری پایدار است. به این سطح، سطح ظرفیت‌سازی می‌گویند؛

در سطح چهارم الزامات، تأمین نظم و امنیت، مهرورزی و پرهیز از خودکامگی، و بالا بردن اعتماد شهروندان از عمده‌ترین رویکردهای مدیریتی و رفتاری حاکمان به‌شمار می‌آید؛ الزامی که استقرار و پیاده‌سازی آن، علاوه بر توسعه سیاسی در داخل کشور، توسعه بین‌المللی را نیز در پی دارد. آن حضرت مشارکت سیاسی مردم در امور حکومت و دریافت نظرها و پیشنهادهای آنان را در بسیاری از مواقع برای حاکمان گوشزد می‌کنند. به این سطح، سطح بازخورد می‌گویند.

پژوهش‌های پیشین خلأ الگوی سلسله‌مراتبی را به‌خوبی پر نکرده است. به‌عنوان مثال، به‌رغم اینکه مطالعات کاستانزا و همکاران (۱۹۹۸)، وینر (۲۰۰۰) و کلمنز (۲۰۰۳) اصول و ویژگی‌های حکومت‌داری پایدار را مطرح ساختند، هیچ‌یک از این مطالعات با محوریت عدالت بنا نهاده نشده است و مطابقت با تعالیم دینی ندارد و مشخص نیست که مبنا قرار دادن این اصول و ویژگی‌ها برای استخراج مطالب دینی چقدر معتبر باشد. هرچند مطالعات برنامه‌های توسعه سازمان ملل (۱۹۹۷) در خصوص حکومت‌داری پایدار با محوریت عدالت بنا نهاده شده است، به دلیل نبود مکانیزم نظارتی دقیق و قوی، عملاً در هیچ کشوری به غیر از چند کشور که دارای حکومت جمهوری اسلامی هستند، پیاده نشده

است. مطالعات ماریت و زلکی (۲۰۰۰) حکومت‌داری پایدار را منوط به وجود قانون در کشورها قلمداد می‌کند، ولی نکته‌ای را نباید فراموش کرد و آن اینکه صرف وجود قانون، نشان از اجرای قانون نیست. مدل KIPI مثلی را برای حکومت‌داری پایدار مطرح می‌کند که اضلاع این مثلث دو الزام از الزامات حکومت‌داری پایدار را نشان می‌دهد و کامل نیست و این نشان‌دهنده ضعف مدل است. از همین رو، در پژوهش حاضر رویکرد کیفی اتخاذ شد تا با آزادی بیشتر، فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام بررسی شود؛ رویکردی که کمک کرد سطوح الزامات چهارگانه مدیریت توسعه اقتصادی، اکولوژیکی، اجتماعی و سیاسی خود را نمایان سازند.

بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهایی را برای مدیران دولتی در ایران ارائه کرد که بخشی از آنها به شرح زیر است:

بسترسازی مناسب برای توزیع عادلانه ثروت و رفاه، تخصیص منابع و امکانات، و تثبیت اقتصادی در کشور همچون حکومت پنج سال و نه ماه و پانزده روز حضرت علی علیه السلام؛ اولویت گذاشتن بر خدمت به مردم و شهروندان در جهت در صحنه نگه داشتن آنان برای حمایت از خاک کشور؛

بسترسازی برای شفافیت در مدیریت و هزینه‌کرد منابع مالی دولت در جهت کاهش سوءظن‌ها و بدگمانی‌ها؛

حرکت روی منحنی امکانات تولید به هنگام توسعه اقتصادی و توسعه زیست‌محیطی؛
افزایش نظارت‌های مردمی در جهت مبارزه با فساد اداری و پول‌شویی در کشور.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج‌البلاغه (۱۳۹۴)، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۸۵). مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ج ۲.
اخباری، محمد و دیگران (۱۳۹۴). «تبیین توسعه پایدار سیاسی؛ مطالعه موردی: ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۱۱، ش ۳، ص ۳۳-۵۸.

بدیعیان، راضیه و دیگران (۱۳۹۱). «تدوین الگوی پیشنهادی مؤلفه‌های مدیریتی سرمایه اجتماعی با نگاهی به مفاهیم نهج البلاغه»، فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی، س ۶، ش ۴۵، ص ۱۱-۲۵. بووارد، تونی و الک لوفلر (۱۳۹۳). مدیریت دولتی و حکمرانی، ترجمه علیرضا شیروانی، سیدمهدی الوانی و علیرضا ذاکر اصفهانی، اصفهان، نگین ایران.

دانایی‌فرد، حسن و زینب مظفری (۱۳۸۷). «ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، س ۱، ش ۱، ص ۱-۲۳.

دیباچی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۷). پیامبران دولتمرد: پژوهشی درباره مدل‌های حکومت در قرآن، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ردادی، محسن (۱۳۸۷). مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، تهران، دانشگاه امام صادقؑ.

سلطانی، محمدرضا و علی خانی (۱۳۹۵). «استخراج معیارهای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های فرهنگی مبتنی بر انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری»، فصلنامه مدیریت اسلامی، س ۲۴، ش ۲، ص ۱۰۵-۱۳۳.

عابدی جعفری، حسن و دیگران (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲، ص ۱۵۱-۱۹۸.

عطارزاده، محبتی (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب»، فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، س ۱۱، ش ۴۲، ص ۴۳-۷۸.

Clemens, R. (2003). Sustainable Governance for Sustainability: Internalizing within a Public Service, Context Building Local Capacity, Australia, Curtin University of Technology of Western Australia.

Costanza, R. and et al. (1998). Principle for Sustainable Governance of the Oceans, Science 281(5374):198-9.

Gardiner, R (2002) Governance for sustainable development: out comes from Johannesburg.

King, N. & C. Horrocks (2010). Interviews in Qualitative Research, London, Sage.

Martia, S. and D. Zaelke (2000). Rule, Good Governance and Sustainable Development, United States, Washington, DC.

Porter, J. (2002). Sustainability and Good Governance: Monitoring Participation and Process as well as Outcomes, UTS Center for Local Government.

Sinkovics, R. R. (2008). "Enhancing the Trustworthiness of Qualitative Research in International Business", MIR, 48(6): 689-714.

- Stirling, J. (2001). "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, 1(3): 385-405.
- Twining, J. (2000). *A Naturalistic Journey into the Collaborator: In Search of Understanding for Prospective Participants*, Denton, Texas Woman's University.
- Wiener, J. B. (2000). *From Sustainable Development to Sustainable Governance*, Law School and Nicholas School of the Environment, Duke University.

